۱۰۳-۱۱۸

فهم تربیت زیبایی‌شناختی و هنری از دیدگاه آموزگاران دورهٔ ابتدایی*

عبدالله خسروانی‌مقدم [۱] ◉ دکتر علی شیروانی‌شیری [۲] ◉ دکتر جابر اکبری [۳]

چکیده: **هدف کلی این پژوهش، فهم تربیت زیبایی‌شناختی و هنری از دیدگاه آموزگاران دوره ابتدایی شهر یاسوج بود. ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری یکی از شش ساحت اصلی تربیت در سند تحول بنیادین در نظام تعلیم‌وتربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران است. این پژوهش، به‌صورت مطالعه‌ای کیفی از نوع تحلیل استقرایی با نظام کدگذاری طراحی و اجرا شده است. مشارکت‌کنندگان این پژوهش ۲۱ نفر از آموزگاران دوره ابتدایی شهر یاسوج بودند. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته به شیوهٔ هدفمند و با رعایت قاعدهٔ اشباع نظری گردآوری شده و تحلیل آنها به شیوهٔ تحلیل محتوای استقرایی انجام گرفته است. بر اساس یافته‌های پژوهش، الف) در بخش اهداف ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری مقوله‌های محوری استخراج‌شده عبارت‌اند از: ۱. شکوفایی زیبایی و هنر، ۲. هدف تربیت هنری لزوماً پرورش هنرمند حرفه‌ای نیست، ۳. شناسایی استعداد و شکوفایی خلاقیت و رشد همه‌جانبه ابعاد احساسی، عاطفی و شناختی متربیان . ب) در بخش جهت‌گیری کلی ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری نیز مقوله‌های محوری، ۱. هنر همچون هدف و ۲. هنر همچون ابزار تشخیص داده شده‌اند. ج) در بخش اصول ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری ۱. اصل تأثیر هنر و نگاه زیبایی‌شناسانه در یادگیری سایر دروس، ۲. اصل تأثیر هنر و نگاه زیبایی‌شناسانه در کشف استعدادها و پرورش قدرت خلاقیت کودکان و ۳. اصل رمزگشایی واکاوی و خلق معنا تشخیص داده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بر اساس فهم آموزگاران، در نظام تعلیم‌وتربیت کشورمان تربیت هنری و زیبایی‌شناسی در دوره ابتدایی آن‌گونه که باید، مورد توجه قرار نگرفته و به درس هنر در دبستان اهمیت درخور داده نمی‌شود.**

کلید واژگان: **تربیت هنری، تربیت زیبایی‌شناختی، آموزگاران، دوره ابتدایی**

☑ تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۱۶ ☑ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۴

*این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. abd.khosravani@gmail.com
۲. **نویسنده مسئول:** استادیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. ali_shiravani@cfu.ac.ir
۳. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. ja.akbari@cfu.ac.ir

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

مقدمه و بیان مسئله

تربیت هنری و زیبایی‌شناختی که در رشد کودکان و بروز استعدادها و قابلیتهای شناختی، عاطفی و مهارتی آنان نقشی بارز و تأثیری سازنده دارد، یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت در حوزه آموزش ارزشهاست که باید در برنامه‌درسی مدارس دورهٔ ابتدایی مورد توجه جدی قرار گیرد، اما این بعد از تربیت در نظام آموزشی کشور ما با محدودیتها و موانعی در حوزه نظر و عمل مواجه است. این بعد و ساحت تربیت اخیراً در نظام تعلیم‌وتربیت جمهوری اسلامی ایران در حوزه نظری در کنار سایر ساحتهای اساسی تربیت، مورد توجه صاحبنظران و اندیشمندان قرار گرفته اما در حوزه برنامه‌درسی و اجرا، آن گونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است.

تربیت هنری و زیبایی‌شناختی و به‌طورکلی توجه به انواع ارزشها اعم از ارزشهای اخلاقی، ارزشهای زیبایی‌شناسی و هنری و ارزشهای مذهبی (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۲: ۹۰) در زندگی انسان نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند و در واقع جهان‌بینی و نگرش انسانها به زندگی و هستی، وابسته به نظام و نگاه ارزشی آنان است (برنامه‌درسی ملی، ۱۳۹۱: ۲۶ - ۲۵).

به باور صاحبنظران، تربیت زیبایی‌شناختی، «اصطلاحی مرجع برای اطلاق به آن دسته از اعمال تربیتی است که با هدف آشناکردن متربیان با زیبایی و هنر، ارائهٔ فهمی از هنر به آنها، ایجاد حس قدرشناسی از آن و پرورش خلاقیت هنری، صورت می‌گیرد» (الیاس[1]، ۱۹۹۵؛ ترجمه ضرابی، ۱۳۸۵). جروم هاوسمن[2] (۱۹۷۱)، تربیت هنری را ناظر بر آموزش حواس مختلف، رشد تجارب لمسی، حساسیت و برخورد عمیق با جلوه‌های بصری هنری و نقادی هنرمندانه می‌داند(تسلیمان و همکاران، ۱۳۹۶).

به‌طور کلی هدف اصلی آموزش زیبایی‌شناختی را می‌توان به‌مثابه یادگیری، از طریق و دربارهٔ هنر تعریف کرد. به عبارت دیگر هدف اصلی آموزش زیباشناختی، پرورش سواد هنری در دانش‌آموزان است. ماکسین گرین[3] در این مورد خاطر نشان می‌کند که آموزش متفکرانه از نتایج کار هنری با رسانه‌ها و وسایلی چون نقاشی، سفالگری، موزیک، گفتار و نوشتار و حرکات بدنی است (فتحی واجارگاه، ۱۳۹۵: ۱۹۱).

آیزنر[4] همواره این دل‌مشغولی را داشته است که مدارس ارزش هنر را نادیده گرفته‌اند و مجموعه‌ای از جهت‌گیریهای نامتعادل در آموزش‌وپرورش صورت گرفته است. او معتقد بود که محیط، نگرشهای هنری را شکل می‌بخشد و تعلیم‌وتربیت هنری سهمی بسزا در رشد کودکان دارد. او اعتقاد داشت که جهت‌گیریهایی که در آن تنها به کودکان مواد هنری ارائه می‌شود به این امید که خلاقیت آنها به جریان بیافتد به برنامه‌هایی بدون ساختار، دارای محتوای هنری محدود و اهداف سطح پایین منجر می‌شود (فتحی‌واجارگاه، ۱۳۹۵: ۱۹۵).

1. Elias
2. Hausman
3. Greene
4. Eisner

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

آموزش هنر و تربیت هنری در رشـــد و بروز اســـتعدادها و قابلیتهای شـــناختی، عاطفی و مهارتی دانش‌آمـــوزان نقش و تأثیری ســـازنده دارد. این تأثیرات البته به دلیل وجـــود قابلیتهای ذاتی و نهفته در قلمرو هنر است، چرا که هنر تجسم خلاقیت انسان و حس زیبایی‌شناسی اوست. درس هنر فرصتی را برای پرورش حس زیبایی‌شناسی و خلاقیت، تسهیل یادگیری درسهای دیگر، بیان آزادانهٔ احساسات، کشف مشکلات عاطفی و رفتاری، ابراز وجود و ارائهٔ تجربه‌های شخصی، تلطیف عواطف، تشریک مساعی فکری، توســـعهٔ ارزشـــها و نظایر آن را فراهم می‌آورد. آموزش هنر دارای کارکردهای بسیار مهمی است که می‌تواند شخصیت فرد را برای اجتماعی زیستن و دقیق و حساس بودن پرورش دهد. از این رو آموزش هنر به کودکان و آشـــناکردن آنها با انواع هنرهای رایج، که بر پایهٔ طبیعت درونی متنوع اطراف‌شـــان بنا شده باشد، دارای اهمیت و ضرورت تام است (کارگذار و همکاران، ۱۳۹۸). ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، به‌عنوان یکی از شـــش ساحت اساســـی تربیت، بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به رشـــد قوهٔ خیال و پرورش عواطف و احساسات زیبایی‌شناختی شامل درک، قدردانی و خلق آثار هنری و قدردانی از آثار ارزشـــهای هنری ایرانی‌اســـلامی است (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم‌وتربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰: ۳۰۷).

هرچند پیشینه توجه بشر به مقوله زیبایی‌شناسی و هنر به گذشته‌های دور برمی‌گردد و فیلسوفان نامداری چون افلاطون و کانت به‌طور مفصل و با جهت‌گیریها و رویکردهای مختلف در مورد آن اظهارنظر کرده‌اند، کاناتلا[1] (۲۰۲۰)، با امکان آموزش و تأکید بر جنبهٔ آموزشی بودن هنر، می‌نویسد که این واقعیت است که آموزگاران هنر باید آموزش دهند که هنر چیست و چگونه به زندگی واقعی مرتبط است. جهان، به‌مثابه عقاید و ادعاهای عقلانی، مفهومی، تخیلی و تاریخی و فرهنگی است که در آن، میان هنر و زندگی تقارن وجود دارد که مکاشـــفات آن مورد توجه جامعه اســـت (لی[2] و همکاران، ۲۰۱۸)، اما اوج‌گیری و بالیدن فلسفه آموزش زیبایی‌شناسی و هنری تقریباً به دهه ۱۹۵۰ بر می‌گردد (مارک[3]، ۱۹۹۹). کولیر[4] و همکاران (۲۰۱۸)، نوعی رویکرد زیباشـــناختی به آموزش را توصیف می‌کنند که در آن آموزگاران در ایجاد اخلاق مراقبت در دانش‌آموزان و ارتقای احساس مسئولیت اجتماعی آنها را حمایت می‌کنند. آنان دیدگاهـــی متفکرانه و هنری از آموزش ارائه می‌دهند. از نظر آنان هنر فرصتی برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا تأمل و درکی عمیق‌تر از موضوعات داشته باشند و ایده‌های خود را شکل دهند و برای ابراز و بیان ایده‌های خود، روشهایی متفاوت را کشف کنند.

یافته‌های نیوتن و دانکیـــن[5] (۲۰۱۱)، ضمن اینکه مؤید تأثیر هنر بر خلاقیت‌اند، بیان می‌کنند که محیطهای آموزشـــی برانگیزانندهٔ خلاقیت، ســـبب افزایش قدرت ایده‌پردازی و اعتماد به نفس می‌شود.

1. Cannatella
2. Li
3. Mark
4. Collier
5. Newton & Donkin

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

نتایج پژوهش گریرسون[1] (۲۰۱۱) نشان داد که این قابلیتها در هنرهای تصویری وجود دارند که به‌مثابه موتوری متحرک برای هدایت مسیر خلاقیت و نوآوری در مدرسه باشند. البته لازمه این تأثیرگذاری پرداختن به نقادی هنری و نه صرفاً آموزش هنر است.

از پژوهشهای داخلی در این زمینه می‌توان به مواردی اشاره کرد. هدف اصلی پژوهش کارگذار و همکاران (۱۳۹۸) بررسی تطبیقی برنامهٔ درسی هنر در دورهٔ ابتدایی در ایران و ژاپن بود. نتایج این مقایسه و ارزیابی نشان داد که اساساً تربیت هنری در نظام آموزشی کشور ما در مقایسه با کشور ژاپن، از یک‌سو با محدودیتهای نظری و فکری و از سوی دیگر با موانع و تنگناهای اجرایی و عملی مواجه است. محدودیتهای نظری ریشه در عدم باور برنامه‌ریزان و کارورزان آموزشی به ضرورت و نقش ویژهٔ تربیت هنری در شکوفایی قابلیتها و استعدادهای دانش‌آموزان و تحقق هدفهای نظام آموزشی دارد. از این رو، تربیت هنری در کشور ما همواره دارای نقش و جایگاه فرعی در برنامه‌های درسی مدارس است. موانع اجرایی هم ناظر بر مشکلات و کمبودهای عمده‌ای است که در زمینهٔ اجرای مناسب برنامهٔ درسی هنر در مدارس وجود دارد.

در پژوهشی دیگر به اهمیت کارکرد نظام آموزش در زمینهٔ پرورش قابلیتهای زیبایی دانش‌آموزان توجه شده که در صدد بازشناسی، تبیین و اعادهٔ جایگاه شایستهٔ تربیت هنری در برنامه‌های درسی دورهٔ ابتدایی از طریق طراحی الگوی مطلوب برنامهٔ درسی هنر و نیز مقایسهٔ آن با برنامهٔ درسی رسمی است (امینی، ۱۳۹۷). در پژوهشی دیگر توانایی تشخیص آثار زیباشناسانه از غیر زیباشناسانه در دانش‌آموزان رده‌های سنی گوناگون شهر تهران مقایسه و بررسی شده است (رشید و همکاران،۱۳۸۷). در پژوهشی دیگر به بهبود کیفیت برنامه‌های درسی و توجه به رویکرد تلفیقی توجه شده است (شرفی، ۱۳۸۶). در پژوهشی دیگر به تبیین دیدگاه برودی دربارهٔ زیبایی‌شناسی و کاربردهای عام و خاص آن برای تعلیم‌وتربیت اقدام شده است (رضایی، ۱۳۸۹). همچنین دربارهٔ توجیهات فلسفی تربیت زیبایی‌شناختی نیز فلاسفه به پرورش قدرت تخیل، زمینه‌های روان‌شناسی، تأمین رشد نیروی عقلانی، رشد اخلاقی و انتقال فرهنگ و پرورش تجربیات زیبایی‌شناختی اشاره کرده‌اند (الیاس، ۱۹۹۵؛ ترجمه ضرابی، ۱۳۸۵). از نظر جعفری و دیویی، کل نظام تعلیم‌وتربیت باید آمیخته به زیبایی و هنر باشد و به تبع آن، تمام تلاشهای جدی مربوط به تدریس باید به قصد خلق شرایطی صورت گیرد که طی آن، تجربهٔ یادگیرنده جنبهٔ زیبایی‌شناختی پیدا کند (هاشمیان و همکاران، ۱۳۹۷).

با بررسی پیشینه پژوهش به نظر می‌رسد که یکی از مسائل موجود در زمینهٔ تربیت هنری و زیبایی‌شناختی، نداشتن فهم عمیق و درست از این ساحت اساسی تربیت و در نتیجه محدود کردن یا خلاصه کردن این بعد از تربیت به نفع سایر ابعاد و ساحتهای تربیت به‌ویژه تربیت علمی و عقلانی است. به گزارش کارگذار و همکاران (۱۳۹۸) تربیت هنری در نظام آموزشی کشور ما با محدودیتهای نظری و

1. Grierson

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

فکری و از سوی دیگر با موانع و تنگناهای اجرایی و عملی دست به گریبان است که موانع اجرایی ناظر بر مشکلات و کمبودهای عمده‌ای است که در زمینهٔ اجرای مناسب برنامهٔ درسی هنر در مدارس وجود دارد. از آنجایی که فهم معلم به‌منزلهٔ یکی از مهم‌ترین عناصر برنامه درسی از این بعد تربیت در مدرسه نقشی بسیار تأثیرگذار بر اجرای برنامه تربیت هنری دارد، در این پژوهش مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. باتوجه به اینکه ساحتهای ششگانه تربیت مبتنی بر ساحتهای اساسی و ابعاد اصلی وجود انسان‌اند، توجه تعلیم‌وتربیت و عناصر آن و به‌ویژه معلم به هریک از این ساحتها، به سهم خود بسیار ضروری است. داشتن فهم عمیق و درست و توجه اساسی آموزگاران و معلمان به این بعد از تربیت است که به ایجاد، پرورش و تقویت احساسات و عواطف مطلوب و پرورش حس زیبایی‌شناسانه و قدردانی از زیباییها و همچنین بالارفتن قدرت خلاقیت در دانش‌آموز منجر می‌شود. بنابراین، در این پژوهش فهم آموزگاران شهر یاسوج از اهداف، حدود و قلمرو، رویکرد و اصول ساحت زیبایی‌شناختی و هنری به‌مثابه یک مسئله ضروری در تعلیم‌وتربیت مورد کنکاش قرار گرفته است. از این رو این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که آموزگاران مدارس دورهٔ ابتدایی شهر یاسوج چه فهمی از تربیت زیبایی‌شناختی و هنری دارند؟

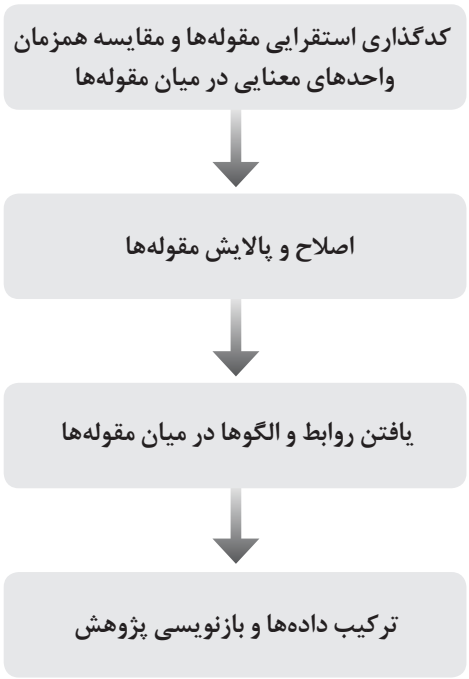
روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به‌صورت مطالعه‌ای کیفی و به شیوه تحلیل استقرایی با نظام کدگذاری طراحی و اجرا شده است. مشارکت‌کنندگان بالقوه در این پژوهش همهٔ آموزگاران مدارس دورهٔ ابتدایی شهر یاسوج بودند. پژوهشگر برای دستیابی به تجارب آموزگاران شهر یاسوج اقدام به نمونه‌گیری غیرتصادفی و هدفمند از نوع شبکه‌ای (گلوله‌برفی) کرده است. براین اساس نمونه‌گیری با نخستین مشارکت‌کننده آغاز و تا انتخاب نفر بیستم از آموزگارانی که اشباع داده‌ها حاصل شد، ادامه یافت و البته یک نفر دیگر هم برای اطمینان از اشباع داده‌ها مورد مصاحبه قرار گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته بود که از مصاحبه‌شونده خواسته شد که به توصیف تجارب و خاطرات خود بپردازد. پرسشهای مصاحبه با مشورت متخصصان و اساتید دانشگاه فرهنگیان و تأیید نهایی استاد راهنما و استاد مشاور طرح شدند که محورهای کلی پرسشها عبارت‌اند از:

۱. به‌عنوان یک معلم چه فهم یا تجربه‌ای از هدف (اهداف) ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری دارید؟
۲. به‌عنوان یک معلم چه فهم یا تجربه‌ای از حدود و قلمرو ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری دارید؟
۳. به‌عنوان یک معلم چه فهم یا تجربه‌ای از رویکرد (جهت‌گیری‌کلی مشخص و منسجم درباره ماهیت و چگونگی مواجهه با تربیت هنری) ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری دارید؟
۴. به‌عنوان یک معلم چه فهم یا تجربه‌ای از اصول ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری دارید؟

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

به‌منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از این پژوهش از روش کدگذاری موضوعی استفاده شد. پس از انجام دادن مصاحبه و پیاده کردن آنها روی کاغذ، از کدگذاری باز (شامل خواندن خط به خط داده‌ها، استخراج مفاهیم و جملات و خاطرات اصلی، تشکیل مقولات و طبقات اولیه) و کدگذاری محوری (شامل طبقه‌بندی داده‌ها، مشخص نمودن زیرطبقات) و کدگذاری انتخابی یا گزینشی (شامل تشکیل مقولات اصلی و نهایی از مقولات ایجادشده از طریق کدگذاری محوری) استفاده شد. بنابراین مراحل روش مقایسه مستمر تحلیل داده‌ها به‌طور مختصر به‌صورت شکل شماره ۱ است.



شکل ۱. مراحل روش مقایسه مستمر (میکوت و مورهاوس[1]، ۱۹۹۴)

بر اساس مراحل شکل شماره ۱، ابتدا هر مصاحبه تلفنی انجام و ضبط شده و پس از پیاده‌کردن مصاحبه‌ها روی کاغذ، همه مطالب چند مرتبه با دقت مطالعه و نکات مرتبط با پدیده موردبررسی استخراج شده است. در مرحله دوم پژوهشگر سعی در استخراج مفاهیم مرتبط با پژوهش و پدیدهٔ مورد بررسی از متن کرده است. در مرحله سوم مفاهیم استخراج شده از متن مرحلهٔ یک، در دسته‌های هم‌مفهوم قرار گرفته است. این کدها بر اساس پدیده‌های کشف‌شده در داده‌ها که مستقیماً به پرسش پژوهش مربوط می‌شوند، دسته‌بندی شده‌اند. در مرحله چهارم پژوهشگر میان پدیده‌های

1. Maykut & Morehouse

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

اصلی به‌دست آمده دست به‌انتخاب زده و در نتیجه مقولات محوری شکل گرفته است. در پایان از برهم‌نهی مقولات محوری، سه مقولهٔ الف) اهداف ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، ب) رویکرد ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری و ج) اصول ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری استخراج شده است.

در این پژوهش برای تعیین اعتبار، یافته‌ها به شرکت‌کنندگان در مصاحبه جهت بازبینی ارائه شده و از نظر صحت و کامل بودن مورد تأیید آنها قرار گرفته است. در ضمن تا حد ممکن سعی شده است که در انتخاب نمونه‌ها تنوع لازم در نظر گرفته‌شود. بر همین اساس آموزگاران از مدارس متفاوت شهر و روستا، معاون‌آموزگار، راهبران آموزشی، آموزگاران چندپایه و تک‌پایه با مدرکهای متفاوت از کارشناسی تا کارشناسی‌ارشد، با سنوات متفاوت از چهار سال تا در آستانه بازنشستگی انتخاب شدند.

یافته‌های پژوهش

پس از بازبینی[1] داده‌ها و با مقایسهٔ مستمر آنها و همچنین با روش کدگذاری محوری نکات مشترک و مشابه در یک طبقه‌بندی جامع‌تر به نام مفاهیم[2] قرار گرفتند.

پس از اینکه در روند کدگذاری باز، داده‌ها به مفاهیم و طبقه‌بندیها تقسیم می‌شوند، کدگذاری محوری، آنها را به سمت هم می‌کشاند تا ارتباط آنها و طبقه‌بندیها و زیرطبقه‌بندیها را در شکلی جدید نشان دهد، بنابراین هدف اصلی کدگذاری محوری این است که داده‌هایی را که در فرایند کدگذاری شکسته شده‌اند، دوباره گردآوری کند. کدگذاری محوری، مرحله‌ای از تحلیل است که پس از مرحلهٔ کدگذاری باز انجام می‌شود. کدکذاری محوری را کوربین و اشتراوس[3] فرایندی می‌دانند که طی آن، مفاهیم به‌هم ربط داده می‌شوند (کوربین و اشتراوس، ۲۰۰۸). در این کدگذاری، ما در پی برهم زدن و پیوستن طبقه‌بندی هستیم، تا یک تبیین دقیق‌تر و کامل‌تر از پدیده را ارائه دهیم. کدگذاری محوری، برقراری ارتباط میان طبقه‌بندیها با طبقات خردتر و ابعادشان است (ایمان و محمدیان، ۱۳۸۷).

در فرایند گردآوری اطلاعات گام به گام مفاهیم و گزاره‌های مرتبط مشخص و انباشته شدند تا اینکه از مصاحبه بیستم اشباع نظری حاصل شد. فرایند کدگذاری در نهایت به استخراج هشت مقوله فرعی منجر شد که در سه مقوله اصلی با عناوین زیر دسته‌بندی شدند:

۱. اهداف ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری
۲. رویکرد ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری
۳. اصول ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری

1. Revising
2. Concepts
3. Corbin & Strauss

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

جدول ۱. نکات کلیدی و مفاهیم محوری و مقوله مرکزی حاصل از کدگذاری مصاحبه‌ها

مضامین مستخرج از مصاحبه‌ها		مقوله‌های محوری	مقوله کلی
● زیباشناسی مورد توجه دانش‌آموزان است زیرا در ذات آنها نهفته است که در فرایند تربیت باید شکوفا شود. ن۲۷م۱ ● انسان چون خالقش زیباست، فطرتاً زیبادوست است و این گرایش و تمایل در وی باید تقویت شود. ن۱۹۹م۵ ● زیباپرستی بالقوه است باید بالفعل بشود. زیرا زمانی‌که بالفعل شد انسان را به قدرت تخیل و در نهایت به خداشناسی می‌رساند. ن۲۲۹م۶ ● انسان به‌صورت غریزی زیبایی را دوست دارد. ن ۲۳۰م۶ ● اساس و ذات هر کاری زیبایی است که جهت تاثیرگذاری باید شناخته و شناسانده شود. ۵۴۸م۱۷ ● انسان تابع زیبایی درونی است. ن۵۴۹م۱۷ ● روح انسان همیشه در جست‌وجوی زیبایی است. ن۵۵۹م۱۷ ● خداشناسی ذاتی یکی از مقوله‌های زیباشناختی است که در تربیت باید مورد توجه قرار گیرد. ن۳۴م۱ ● هنر مخصوص ذات حقیقی است. ن۶۴م۱ ● اساس و پایه هر کاری هنر است. ن۳۶۸م۱۲ ● اساس زندگی ما براساس هنر است. ن۳۷۲م۱۲ ● هنر روح انسان را ارضا می‌کند. ن۳۸۴م۱۲ ● زیبایی‌شناسی و هنر طبیعتاً در انسان است. ن۳۳م۱	۱.	شکوفایی شناخت، گرایش و تمایل به زیبایی و هنر	**اهداف ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری**
● هوش بچه‌ها در تمام زمینه‌ها کامل نیست. ن ۱۵۰م۴ ● تربیت هنری طوری برنامه‌ریزی و اجرا شود که اکثراً بتوانند آن را درک کنند. ن۱۴۷م۴ ● به علاقه دانش‌آموز بستگی دارد. ن۱۳۹م۴ ● بستگی به هوشهای چندگانه دارد. ن۱۴۹م۴ ● به تجربه‌های موجود و حس زیبایی آنها بستگی دارد. ن۱۵۳م۴ ● در موضوعات مختلف متفاوت است. اما زمینه‌هایش فرق دارد. ن۱۵۵م۴ ● به استعداد آنها بستگی دارد. ن۱۵۷م۴ ● چون بعضی در هوش منطقی بعضی در هوش ریاضی و بعضی در هوش فضایی استعداد دارند. ن۱۵۹م۴ ● حس زیبایی‌شناسی آنها را تقویت کنم. ن ۱۶۰م۴ ● هدف ما این نیست که همه به این ادراک برسند. ن۱۶۱م۴ ● برای حرفه‌ای شدن در هنر، تخصص لازم است. ن۱۰۸م۳ ● تربیت هنری تخصص خاص می‌خواهد. ن۱۱۱م۳ ● در کلاس تفاوتهای فردی زیادی وجود دارد. ن۱۱۲م۳ ● هدف پرورش هنرمند حرفه‌ای نیست. ن۱۱۹م۳ ● هدف در دوران کودکی ساختن ذهنیت زیباست نه آموزش تخصصی هنر. ن۱۲۰م۳	۲.	هدف تربیت هنری لزوماً پرورش هنرمند حرفه‌ای نیست.	

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

جدول ۱. (ادامه)

مضامین مستخرج از مصاحبه‌ها	مقوله‌های محوری		مقوله کلی
● هدف پرورش خلاقیت است. ن۱۴۰م۴ ● شناسایی استعدادها و شکوفاکردن استعدادها. ن۷۴م۲ ● مشاهده کردن هر چیزی که خدا خلق کرده بتواند آن را به تصویر بکشد تا بتواند آن را تفسیر کند. ن۷۷م۲ ● زمینه‌ای فراهم شود تا دانش‌آموز و معلم قریحه هنری خود را بهتر درک کنند. ن۹۴م۲ ● باید از راه هنر احساسات و توانایی کودکان پرورش یابد. ن۱۰۱م۲ ● آگاه ساختن دانش‌آموز که بتواند از استعداد و قدرت خلاقیت هنری خودش استفاده کند. ن۱۰۳م۲ ● شجاعت در خلق آثار هنری. ن۱۲۲م۳ ● در مقطع ابتدایی در پی ساخت هنرمند نباشیم بلکه کشف استعداد و کمک به‌شکوفایی و خلاق بار آوردن کودکان مهم است. ن۱۲۸م۳ ● بتوانند احساسات خود را از طریق هنر بیان کنند. ن۱۳۲م۳ ● یک نقاش باید خوب ببیند تا بتواند خوب نقاشی کند. بنابراین حواس پنجگانه کودکان باید پرورش یابد. ن۲۲۲م۶ ● حس لامسه هم باید تقویت بشود. ن۲۲۵م۶ ● انواع حسها باید تقویت بشود تا بتواند مهارت لازم را کشف کند. ن۲۲۶م۶	شناسایی استعداد و شکوفایی خلاقیت و رشد همه جانبه ابعاد احساسی، عاطفی و شناختی افراد	۳.	**اهداف ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری (ادامه)**
● رسانه‌های جمعی می‌توانند جهت‌دار باشند با ساحتهای تربیت زیبایی‌شناختی و هنری. ن۵۳۶م۱۶ ● خود هنر هدف است. ن۱۸۱،م۵ ● در آموزش ما بیشتر باید کیفیت مدنظر باشد. ن۱۸۲،م۵ ● هنر جهت‌گیری روحی و روانی و عاطفی هم دارد. ن۵۱۹م۱۶ ● رشد فعالیتهایی که در زندگی با آنها سروکار داریم چون زندگی هنر است. ن۵۱۵م۱۶ ● هنر هدف باشد تا فرد وقتی به حل مسئله می‌رسد از حل هنرمندانه مسئله بتواند لذت کافی ببرد. ن۳۹۱م۱۲ ● هنر هدف نباشد. لذت یادگیری در فرد ایجاد نمی‌شود. ن۳۹۲م۱۲ ● موضوع‌محوری در تربیت هنری اهمیت دارد؛ یعنی چه موضوعی را چه اصلی را مورد توجه قرار بدهیم. ن۵۶۵م۱۷	رویکرد هنر همچون هدف	۱.	**رویکرد ساحت تربیت هنری و زیبایی شناسانه**
● در جامعه امروزی هنر متأسفانه جهت‌گیری اقتصادی دارد. ن۵۱۸م۱۶ ● در بعضی جاها هم فراتر می‌روند و موسیقی‌های نامناسب را رواج می‌دهند. ن۵۳۵م۱۶د ● در بعضی جاها حتی موسیقی را هم حرام می‌دانند. ن۵۳۴م۱۶ ● متأسفانه ما الان داریم جهت‌گیری را نسبت به زیبایی‌شناختی منفی می‌کنیم. ن۵۳۹م۱۶ ● نقاشی، موسیقی و خط و خوشنویسی را برخی به هدف رسیدن به درآمد مدنظر قرار می‌دهند. ن۱۸۴،م۵ ● به درس هنر به رشته هنر در مقطع ابتدایی اهمیت داده نمی‌شود. ن۲۴۱،م۷ ● هنر در تعلیم و تربیت کشور ما نادیده گرفته شده. ن۵۲۷م۱۶ ● در آموزش وتربیت ما واقعاً ارزشی برای هنر قائل نشده‌ایم. ن۴۲۹م۱۳	رویکرد هنر همچون ابزار	۲.	

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

جدول ۱. (ادامه)

مضامین مستخرج از مصاحبه‌ها	مقوله‌های محوری		مقوله کلی
• توجه به خلاقیت و کارهای عملی کودکان را در سایر دروس موفق می‌کند. ن۵۷۷،م۱۸ • توجه به هنر و زیبایی‌شناسی در تربیت در واقع توجه به تفاوتهای فردی است. ن۵۷۸،م۱۸ • نگاه زیبایی‌شناختی و هنری به آموزش و یادگیری، مهم‌ترین روش یادگیری است. ن۵۸۷،م۱۸ • تأکید بر پرورش تخیل دانش‌آموزان در دروسی که نیاز به تصور و تجسم فضایی دارند مانند ریاضی بسیار مؤثر است. ن۵۹۴،م۱۸ • توجه به اصل زیبایی‌شناختی در جامعه. ن۵۹۸،م۱۸ • توجه به حفظ آثار هنری و حفظ میراث فرهنگی در دروس علوم اجتماعی اهمیت دارد. ن۶۰۰،م۱۸ • توجه به تاریخ هنر در فهم عمیق‌تر درس تاریخ مؤثر است. ن۶۰۲،م۱۸ • درک زیباییهای جهان آفرینش در باورمندی به قدرت آفرینشگری پروردگار عالم در درس هدیه‌های آسمانی و درک بهتر معارف دینی اهمیت دارد. ن۶۰۴،م۱۸ • ضرورت برگزاری دوره‌های ضمن‌خدمت و کارگاههای آموزشی، استفاده از کتب راهنمای تدریس در زمینه هنر و استفاده از هنر در سایر دروس. ن۶۳۲،م۱۹ • درک زیبایی‌شناسی و هنر است که ما را به خداشناسی می‌رساند. ن۶۳۲،م۱۹ • هنر در ساخت وسایل دست‌ساز به دانش‌آموز کمک می‌کند. ن۶۳۵،م۲ • کمک به دانش‌آموز در درس هدیه‌های آسمان از طریق درک زیباییهای آفرینش. ن۶۳۷،م۲۰ • کمک به درک بهتر درس مطالعات اجتماعی از طریق تصاویر. ن۶۴۶،م۲۰ • کمک به درس علوم تجربی از راه پرورش حواس پنجگانه و تصاویر. ن۶۴۷،م۲۰ • کمک درس هنر به درس فارسی و مهارت در بیان. ن۶۴۸،م۲۰ • کمک درس هنر به درس ریاضی در درک تجسم فضایی اشکال هندسی. ن۶۵۳،م۲۱	۱.	اصل تأثیر هنر و نگاه زیبایی‌شناسانه در یادگیری سایر دروس	**اصول ساحت تربیت‌هنری و زیبایی‌شناسانه**
• شناسایی استعداد کودکان در بدو ورود به مدرسه از طریق نقاشی و رنگ‌آمیزی. ن۶۰،م۱ • برای بالفعل شدن استعداد کودکان زمینه را فراهم کنیم. ن۲۴،م۱ • استعداد بالقوه کودکان باید بالفعل شود. ن۱۷۷،م۵ • معلم آموزش و تدریس را هنرمندانه و خلاقانه نماید تا زمینه پرورش خلاقیت و ذوق هنری کودکان فراهم شود. ن۸۳،م۲ • تجارب خلاقانه در فرایند تدریس و آموزش زمینه‌ساز کشف استعدادها و پرورش خلاقیت است. ن۸۴،م۲ • درس هنر خلاقیت را پرورش خواهد داد زیرا همراه با کارهای خلاقانه و عملی است. ن۱۷۳،م۵ • باید خلاقیت دانش‌آموزان را شکوفا کنیم. ن۱۷۴،م۵ • باید فعالیتها و بازی به عنوان هنر آموزش داده بشود چون همراه خلاقیت هستند. ن۱۹۳،م۵ • کار عملی هنری تفاوت خاصی به آموزش می‌دهد. ن۵۲۹م۱۶	۲.	اصل تأثیر هنر و نگاه زیبایی‌شناسانه در کشف استعدادها و پرورش قدرت خلاقیت کودکان	

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

جدول ۱. (ادامه)

مضامین مستخرج از مصاحبه‌ها	مقوله‌های محوری		مقوله کلی
● خلق آثار هنری یعنی رمزگذاری و معنابخشی. ن۲۹۴ م ۸ ● کودک با دیدن تصویر تلاش می‌کند آن را بفهمد و رمزگشایی می‌کند و جذبش می‌شود. ن۲۵۴ م۷ ● رمزگشایی و فهم نقاشیهای زیبا باعث علاقه دانش‌آموزان نسبت به یادگیری درس می‌شوند. ن۴۶۰م۱۴ ● بهترین راه ارتباط برقرار کردن از طریق هنر و تصاویر است زیرا مخاطب معنا را باید کشف کند. ن۴۸۴م۱۴ ● از طریق نقاشی‌کردن و یا ساختن وسایل دست‌ساز خلاقیت خود را بروز دهد. ن۳۴۶م۱۱ ● خط‌خطی‌کردن دانش‌آموز نوعی رمزگذاری است زیرا پشت هر خطی هدفی و معنا و رمزی هست. ن۳۵۹م۱۱ ● تصویر تخیل یک دانش‌آموز را نشان می‌دهد. ۶۶م۱ ● تصویرهای کوچک مفهومهای بسیار بزرگ را می‌رساند. ن۴۱۳م۱۲ ● در قالب طنز می‌توانیم از خلق معنا استفاده کنیم. ن۲۷۶ م۷ ● خلق و کشف معنا تواناییهایی هست که در فرد وجود دارد و باید به او کمک کرد تا این فرایند عملیاتی شود. ن۲۷۷م۸ ● رسم تصاویر توسط دانش‌آموز و تفسیر آن توسط خودش. ن۳۱۵م۱۰ ● کشف معنا رسیدن به معنای کلی یک موضوع در هنر است. ۳۱۶م ۱۰ ● خلق هنر، با توجه به قانون مجاورت و قانون مشابهت انجام می‌گیرد. ن۳۴۷م۱۲ ● خلق هنر، نوعی رشد تدریجی هست. آموزش و تربیت می‌تواند تأثیرگذار باشد. ن۳۵۲م۱۱ ● فهمیدن شکلها و تصاویر نوعی کشف معنا و رمزگشایی است. ن۳۵۳ م۱۱	اصل رمزگشایی و واکاوی و خلق معنا	۳.	**اصول ساحت تربیت‌هنری و زیبایی‌شناسانه (ادامه)**

طبق جدول شماره ۱، فهم تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، از دیدگاه آموزگاران در سه حوزه اهداف، رویکرد و اصول قابل‌بررسی است که در این قسمت به‌ترتیب مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. اهداف

در بررسی و شناسایی فهم آموزگاران از تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، به نظر می‌رسد که فهم و درک آنان از اهداف مهم‌ترین و بنیادی‌ترین یافته است. شکوفایی زیبایی و هنر که ذاتی انسان است و اینکه هدف تربیت هنری لزوماً پرورش هنرمند حرفه‌ای نیست از جملهٔ این اهداف هستند. در ادامه به‌اختصار به هر یک از آنها می‌پردازیم.

الف) شکوفایی زیبایی و هنر: انسان ذاتاً دوستدار زیبایی و هنر است و به هر آنچه در وی تأثیر هنری و زیبایی‌شناسانه داشته باشد و حس زیبایی‌شناسانه وی را برانگیزد، علاقه‌مند است. نظام تعلیم‌وتربیت باید با فراهم آوردن زمینه مناسب این ویژگی ذاتی کودک را شکوفا کند. البته نقش نظام تربیتی و عناصر تربیت و از آن میان معلم، نقش کمکی و زمینه‌سازی است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

از نظر کولیر و همـــکاران (۲۰۱۸) هنر فرصتی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا تأمل و درکی عمیق‌تر از موضوعات داشـــته باشـــند و ایده‌های خود را شـــکل دهند و برای ابراز و بیان ایده‌های خود، روشـــهای گوناگون را کشـــف کنند و نیز هنر را باید در ارتباطی کامل با زندگی و هدف زندگی در نظر بگیریم (هاشمیان و همکاران، ۱۳۹۷).

ب) هدف تربیت هنری لزوماً پرورش هنرمند حرفه‌ای نیســـت: با توجه به اینکه ساحت تربیت هنری و زیبایی‌شناسانه یکی از ساحتهای اساسی تربیت است که مبتنی بر ساحتهای وجودی افراد است، این بعد از تربیت باید به نسبتی در همه افراد جامعه مورد توجه قرار گیرد. اگر چه برخی از افراد مورد تربیت، ممکن است استعداد و علاقه‌ای خاص نسبت به این ساحت داشته باشند که باید به‌طور تخصصی مورد تربیت قرار گیرند، ســـایر افراد در حد نیاز باید در بعد تربیت، مورد توجه قرار گیرند. در واقع هدف تربیت هنری، نه پرورش هنرمند حرفه‌ای، بلکه پرورش ادراک زیبایی‌شناسی در همهٔ متربیان است (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

ج) شناسایی استعداد و شکوفایی خلاقیت و رشد همه‌جانبه ابعاد احساسی، عاطفی و شـــناختی متربیان: در واقع یکی از اهداف تربیت هنری و زیبایی‌شناسانه، شناسایی استعداد و توانمندیهای افراد و کمک به شکوفایی خلاقیت و رشد همه‌جانبه ابعاد احساسی، عاطفی و شناختی آنان است. در تربیت هنری، دانش‌آموزان محصول هنری ارزشمندی را تولید می‌کنند. در این مسیر، فهم و ادراک بصری آنها رشد می‌یابد و آشنایی با ابزار و شیوه‌های بیان هنری به آنها کمک می‌کند که احساسات درونی خود را بیان‌کنند (کارگذار و همکاران، ۱۳۹۸).

۲. رویکرد

رویکـــرد هنر همچـــون هدف و رویکرد هنر همچون ابزار دو رویکرد عمده ســـاحت تربیت هنری و زیباشناسانه حاصل از این پژوهش است.

الف) رویکرد هنر همچون هدف: یکی از رویکردها به تربیت هنر، تربیت هنر به دلیل ارزشمندی و جایگاه و اهمیت هنر است. چنانچه نگاه و رویکرد به هنر و تربیت هنری به‌دلیل ارزشمندی آن، خود هدف تربیت باشد و این نگرش در تدریس و یادگیری مورد توجه باشد، می‌تواند این فعالیت را جذاب و هیجان‌انگیز سازد و اثرگذاری آن را بر دانش‌آموزان بیشتر کند (پورحسینی و همکاران، ۱۳۹۳).

ب) رویکرد هنر همچون ابزار: در این رویکرد هنر نه به دلیل اهمیت و ارزشـــمندی آن، که به دلیل بهره‌گیری ابزاری از آن برای دستیابی به اهداف دیگر مورد توجه است. منطقی که در حال حاضـــر در خصوص جایـــگاه و اهمیت هنر و تربیت هنری وجود دارد، دیـــدگاه ابزاری را به چالش می‌کشد و در مقابل بر نقش و جایگاه مهم و مرکزیت قائل‌شدن «تخیل» برای تجربهٔ زیبایی‌شناختی و ارتباطات بین تصور، زبان، تفکر و احساس تأکید می‌کند (فتحی‌واجارگاه، ۱۳۹۵).

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

۳. اصول

اصل تأثیر هنر و نگاه زیبایی‌شناسانه در یادگیری سایر دروس و اصل تأثیر هنر و نگاه زیبایی‌شناسانه در کشف استعدادها و پرورش قدرت خلاقیت کودکان و اصل رمزگشایی و واکاوی و خلق معنا از اصول ساحت تربیت هنری و زیبایی‌شناسانه حاصل از کدگذاری یافته‌های این پژوهش است.

الف) اصل تأثیر هنر و نگاه زیبایی‌شناسانه در یادگیری سایر دروس: از آنجایی که هنر زمینه استفاده از یک چارچوب زیبایی‌شناسانه و نگاه به جهان هستی را پرورش می‌دهد (فتحی‌واجارگاه، ۱۳۹۵)، در یادگیری سایر دروس و محتوای درسی تأثیرگذار است. تحلیلی که از طریق آموزش هنر پرورش می‌یابد، پشتیبانی ضروری برای سایر کارکردهای ذهنی فرد تحصیل‌کرده فراهم می‌آورد. از این‌رو نقطهٔ آغازین در آموزش زیباشناختی عبارت از آموزش افراد برای درک مبتنی بر تحلیل است تا آنها را قادر کند محتوای ملموسی را درک کنند و سپس آن را در قالب تصوری که می‌تواند احساسات را منتقل کند، شکل دهد (فتحی‌واجارگاه، ۱۳۹۵). در حقیقت درس هنر فرصتی را برای پرورش حس زیبایی‌شناسی و خلاقیت، تسهیل یادگیری درسهای دیگر، بیان آزادانه احساسات، کشف مشکلات عاطفی و رفتاری، ابراز وجود و ارائهٔ تجربه‌های شخصی، تلطیف عواطف، تشریک مساعی فکری، توسعهٔ ارزشها و نظایر آن فراهم می‌آورد (کارگذار و همکاران، ۱۳۹۸).

ب) اصل تأثیر هنر و نگاه زیبایی‌شناسانه در کشف استعدادها و پرورش قدرت خلاقیت کودکان: تربیت هنری و داشتن نگاه زیبایی‌شناسانه موجب پرورش قدرت خلاقیت کودکان می‌شود. رشد خلاقیت کودکان اهمیت بسیار دارد زیرا باعث ادراک حسی عمیق پدیده‌های هنری، پرورش و به‌کارگیری حواس مختلف، کسب آگاهی از تجربه‌های بصری و دیداری، تولید هنری، ارزش‌گذاری نقادانهٔ شکلهای بصری و نمایشی، کسب مهارتهای لازم، شناخت و فهم تاریخی و فرهنگی، افزایش حساسیت دانش‌آموز نسبت به ابعاد زیباشناختی و توجه به طبیعت و عناصر موجود در آن می‌شود (کارگذار و همکاران، ۱۳۹۸).

ج) اصل رمزگشایی و واکاوی و خلق معنا: تأکید مبانی نظری تحول بنیادین در تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰) بر فراهم‌سازی زمینه‌های کسب شایستگی رمزگذاری و رمزگشایی برای متربیان به‌عنوان یک اصل در تربیت هنری مؤید این حقیقت است که این ظرفیت در تربیت هنری وجود دارد که توان متربیان را در خلق اثر هنری و یا در فهم ابعاد و رموز یک اثر، قدرت رمزگذاری و خلق معنا و رمزگشایی بالا ببرد.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

■ نتیجه‌گیری ■

ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری یکی از شش ساحت اصلی در سند تحول بنیادین است. اهمیتی که سند تحول بنیادین برای هر کدام از پنج ساحت دیگر قائل شده، برای ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری هم قائل شده است. از طرفی هم ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، در فلسفه تعلیم‌وتربیت در دسته‌بندی ارزشها قرار دارد. در این پژوهش، پژوهشگر طبق مصاحبه‌هایی که از آموزگاران دورهٔ ابتدایی شهر یاسوج انجام داده، در بخش اهداف ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری دیدگاه آموزگاران این بوده است که زیباشناسی مورد توجه دانش‌آموزان است زیرا در ذات آنها نهفته است. انسان تابع زیبایی درونی است و انسان همیشه در پی زیبایی است. انسان چون خالقش زیباست، فطرتاً زیباپرست است، اما زیبادوستی بالقوه است که باید در فرایند تربیت بالفعل بشود.

اساس هر اقدامی در عرصه آموزش، هنر است. در حقیقت پایهٔ زندگی انسان بر اساس هنر است. یافته‌ها در این زمینه، با نتایج برخی دیگر از پژوهشها همسویی دارند. به باور برخی پژوهشگران، هنر را باید در ارتباطی کامل با زندگی و هدف زندگی در نظر بگیریم (هاشمیان و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین، با توجه به نکات گفته‌شده درمی‌یابیم که هر جامعه نیازمند تربیت هنری و زیبایی‌شناسی است. دیدگاه آموزگاران در «پرورش ادراک زیبایی‌شناسی در متربیان» این بوده است که به هوشهای چندگانه بستگی دارد چون بعضی در هوش منطقی، بعضی در هوش ریاضی و بعضی در هوش فضایی استعداد دارند و هوش کودکان در تمام زمینه‌ها کامل نیست و به علاقه و استعداد و تجربه‌های موجود و حس زیبایی دانش‌آموزان بستگی دارد. هدف کلی تربیت هنری کمک به رساندن انسانها به مرحله‌ای از تکامل است که به آن انسان می‌گویند. همچنین هدف پرورش حس زیبایی‌شناسی دمیدن روح تعهد در انسان است. احساسات و توانایی کودکان باید از راه هنر پرورش یابد. تربیت هنری تخصص خاص می‌خواهد و میان دانش‌آموزان یک کلاس تفاوتهای فردی بسیار وجود دارد، از این‌رو هدف، پرورش هنرمند حرفه‌ای نیست، بلکه پرورش ادراک زیبایی‌شناسی در متربیان است.

رویکرد هنر همچون هدف و رویکرد هنر همچون ابزار، دو رویکرد عمده ساحت تربیت هنری و زیبایی‌شناسانه حاصل از یافته‌های این پژوهش است. در رویکر هنر همچون هدف، تربیت هنر به‌دلیل ارزشمندی و جایگاه و اهمیت هنر است. در رویکرد هنر همچون ابزار، هنر را نه به دلیل اهمیت و ارزشمندی آن، که به دلیل بهره‌گیری ابزاری از آن برای دستیابی به اهداف دیگر مورد توجه است. در جامعه امروزی هنر متأسفانه جهت‌گیری اقتصادی نیز دارد. در نظر بسیاری افراد هنر همچون ابزاری برای کسب درآمد است. با داشتن چنین نگاه و رویکری و در پی آن طمع کسب درآمد بیشتر از این‌طریق، گاهی هنر و برای نمونه موسیقی راه افراط می‌رود و ضدفرهنگ می‌شود، یعنی مناسب با اهداف و اصول تربیت زیبایی‌شناختی و هنری نیست. با چنین رویکردی، در درس هنر، کمتر زمینه خلاقیتها برای آموزگاران فراهم شده‌است، در آموزش بیشتر کمیت مدنظر است تا کیفیت. در واقع، به درس هنر

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

در مقطع ابتدایی اهمیت درخور داده نمی‌شود.

فهم آموزگاران از اصول ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، تأکید هنر بر پرورش حواس پنجگانه بود. آنان بر این باور بودند که حواس پنجگانه مانند حس بینایی و حس شـــنوایی، حس لامســـه و انوع حسها باید پرورش و رشد پیدا کنند. درک کلی آنان از توجه به تربیت هنری و زیبایی‌شناختی در حکم یک اصل این بود که اگر در جامعه‌ای به اصل زیبایی‌شناختی توجه شود آن جامعه، جامعه‌ای رشدیافته و برخوردار از صلح و آرامش خواهد بود و به تعبیری جامعه‌ای خشـــن نخواهد بود. نکته‌های اساســـی که آموزگاران در اصول ســـاحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری تأکید بســـیار داشتند عبارت بودند از: توجه به‌اصل جامعه‌پذیری، تأکید بر پرورش تخیل دانش‌آموزان، توجه به تفاوتهای فردی دانش‌آموزان. شناخت معلم نســـبت به تفاوتهای فردی دانش‌آموزان سبب می‌شـــود که هر استعدادی در همان بعد پرورش یابد و رشد کند. درک زیباییهای جهان آفرینش، طبیعت و چهار فصل مهم‌ترین موضوعاتی‌اند که دانش‌آموزان با نقاشی‌کردن آنها زیباییهای جهان آفرینش را درک می‌کنند و از این طریق به آفریننده مخلوقات علاقه‌مند می‌شوند.

از محدودیتهای مطالعات کیفی تعمیم یافته‌ها اســـت که شامل یافته‌های این پژوهش هم می‌شود. نداشـــتن اطلاعات کافی برخی از مصاحبه‌شوندگان از ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری و آموزش تخصصی هنر در مقطع ابتدایی از دیگر محدودیتهای این مطالعه بود. پیشـــنهاد می‌شود برای شناخت جامع نســـبت به فهم تربیت زیبایی‌شـــناختی و هنری، پژوهشی با عنوان فهم تربیت زیبایی‌شناختی و هنری از دیدگاه آموزگاران دوره ابتدایی و متوســـطه اول در ســـایر جوامع آماری (ســـایر استانها) انجام شود. ترغیب کردن آموزگاران و دانشجویان به فعالیتهای هنری و زیبایی‌شناختی و برگزاری کارگاههای ضمن‌خدمت آموزشـــی در زمینهٔ ســـاحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری و اســـتفاده از اساتید مجرب در حوزه ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، در دانشگاهها و کارگاههای آموزشی ضمن‌خدمت نیز از پیشنهادات کاربردی این پژوهش است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

منابع

REFERENCES

ابراهیم‌زاده، عیسی. (۱۳۹۲). *فلسفهٔ تربیت (علوم تربیتی)*. تهران: دانشگاه پیام نور.

الیاس، جان. (۱۹۹۵). *فلسفهٔ تعلیم وتربیت (قدیم و معاصر)*، ترجمه عبدالرضا ضرابی (۱۳۸۵). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).

امینی، محمد. (۱۳۹۷). *تربیت هنری در قلمرو آموزش‌وپرورش*. تهران: انتشارات آییژ.

ایمان، محمدتقی و محمدیان، منیژه. (۱۳۸۷). روش‌شناسی نظریهٔ بنیادی. *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۱۴ (۵۶)، ۳۱-۵۴.

پورحسینی، محمد؛ سجادی، سیدمهدی و ایمانی، محسن. (۱۳۹۳). تبیین دلالت‌های دیدگاه دیویی در خصوص هنر و زیباشناسی و نقد دلالت های آن برای فرایند تدریس و یادگیری. *پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی*، ۲ (۷)، ۸۳-۱۰۰.

تسلیمان، ناصر؛ سرمدی، محمدرضا و سیفی، محمد. (۱۳۹۶). تبیین جایگاه ادراک زیباشناسانه در تعالی ذهنی یادگیرندگان و ارائهٔ الگویی مفهومی برای برنامه درسی هنر. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۱۴ (۲۸)، ۷۵-۹۰.

دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم‌وتربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی.

ـــــــــــــ . (۱۳۹۱). *برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران*، مصوبه اسفند ۱۳۹۱. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

رشید، خسرو؛ مهرمحمدی، محمود؛ دلاور، علی و قطریفی، مریم. (۱۳۸۷). بررسی مراحل تحول زیباشناسی در دانش‌آموزان شهر تهران. *نشریه نوآوری‌های آموزشی*، ۷ (۴)، ۹۷-۱۲۴.

رضایی، منیره. (۱۳۸۹). *تربیت زیبایی‌شناسی و هنری با تأکید بر آراء برودی*. تهران: نشر منادی تربیت.

شرفی، حسن. (۱۳۸۶). آموزش هنر متناسب با فعالیت‌های زیباشناسانه، تولید هنری و مفاهیم وابسته. *نشریه هنرهای زیبا*، شمارهٔ ۳۲، ۸۱-۹۲.

فتحی‌واجارگاه، کوروش. (۱۳۹۵). *برنامهٔ‌درسی به‌سوی هویت‌های جدید: شرحی بر نظریات معاصر برنامهٔ‌درسی*. تهران: آییژ.

کارگذار، معصومه؛ کبوک، حانیه و الداغی، آنیتا. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی برنامه‌درسی هنر در دوره ابتدایی در ایران و ژاپن. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۱۸ (۱)، ۱۱۳-۱۳۸.

وزارت آموزش‌وپرورش. (۱۳۹۰). *راهنمای برنامه درسی هنر دورهٔ ابتدایی*. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی دورهٔ عمومی و نظری.

هاشمیان، محمدحسین؛ میرزامحمدی، محمدحسن؛ رهنما، اکبر و دارایی، محمد. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی اندیشه‌های زیبایی‌شناختی علامـه محمـدتقی جـعفری و جـان دیـویی و استنتـاج دلالت‌های آن در تعلیم‌وتربیت. *پژوهش در مسائل تعلیم‌وتربیت اسلامی*، ۲۶ (۳۹)، ۵-۳۴.

Cannatella, H. (2020). Knowledge and learning in arts education: Neglecting theory and practice. *Journal of Aesthetic Education*, *54*(2), 39-55.

Collier, M., Sanchez, R. M., & Wix, L. (2018). Aesthetic education: Surviving challenging times. *Journal of Aesthetic Education*, *52*(3), 107-120.

Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (2nd ed.). Sage Publications.

Grierson, E. (2011). Art and creativity in the global economies of education. *Educational Philosophy and Theory, 43*(4), 336-350.

Li, Z., Wang, Y., & Meng, F. (2018). Aesthetic cognitive module theory: A core structure. *Journal of Aesthetic Education*, *52*(2), 71-80.

Mark, M. L. (1999). A historical interpretation of aesthetic education. *Journal of Aesthetic Education*, *33*(4), 7-15.

Maykut, P., & Morehouse, R. (1994). *Beginning qualitative research: A philosophic & practical guide*. Falmer Press.

Newton, D. P., & Donkin, H. (2011). Some notions of artistic creativity amongst history of art students acquired through incidental learning. *International Journal of Education through Art*, *7*(3), 283-293.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]